



**Mohammad Rasool
Ahangaran**

Prof. of Law Dep. Farabi
Faculties, University
of Tehran, Tehran, Iran
(corresponding author).
ahangaran@ut.ac.ir

AmirMahmood Amini

PhD Student of Private
Law, Farabi Faculties,
Tehran University, Tehran,
Iran.
amirmahmoodamini@
gmail.com

Ahmad Saberi Majd

PhD student of
Jurisprudence and Law
Dep, Farabi Faculties,
Tehran University, Tehran,
Iran.
ahmadsaberimajd@gmail.
com

The Structure and Importance of Commercial courts according to the Special Characteristics of Commercial Law: Comparative Study

Abstract

Absence of a legal framework for resolving commercial disputes and distinguishing them from civil contracts, made it necessary to create solutions to find an effective mechanism. This research aims to examine the structure and importance of commercial courts by using the indicators to distinguish commercial from civil contracts. This research is a descriptive-analytical type and has tried to achieve a coherent understanding of this issue by analyzing the researches related to commercial courts and differentiating them from general-law courts. Since one of the obstacles to foreign investment in Iran is the lack of commercial courts, the role of expert judges in dealing with commercial cases in the development of trade, facilitating investment and improving the economic indicators of today's societies is undeniable. Despite the formation of specialized commercial courts in French, British and American legal system and the emphasis on its legal and economic needs, the creation of these courts is still one of the reforms and necessities of Iran's judicial system. The establishment of these courts, in addition to being specialized aspects, can help speed up, reduce costs and make more reliable the processing of commercial claims that originate from the inherent and unique features of commercial law. Therefore, all efforts should be made to determine the structure and importance of these courts and in this way help the country's business and economy.

Keywords:

commercial courts, commercial contracts, commercial lawsuits, structure of courts, commercial law.

محمدرسول آهنگران

استاد تمام گروه حقوق، دانشکدگان

فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول)

ahangaran@ut.ac.ir

امیرمحمودامینی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی،

دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران،

تهران، ایران

amirmahmoodamini@gmail.com

احمد صابری مجد

دانشجوی دکتری فقه و مبانی

حقوق اسلامی، دانشکدگان فارابی

دانشگاه تهران، تهران، ایران

ahmadsaberimajd@gmail.com

ساختار و اهمیت دادگاه‌های تجاری با توجه به ویژگی‌های خاص حقوق تجارت: مطالعه‌ای تطبیقی

چکیده

فقدان بستر قانونی برای حل و فصل اختلافات تجاری و تمییز آن از قراردادهای مدنی، ایجاد راهکارهایی برای دست‌یابی به سازوکاری مؤثر را ضرورت بخشیده است. این پژوهش درصدد بررسی ساختار و اهمیت دادگاه‌های تجاری با بهره‌گیری از شاخص‌های تمییز قراردادهای تجاری از مدنی است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است و کوشیده است با واکاوی پژوهش‌های مرتبط با دادگاه‌های تجاری و تمییز آن از دادگاه‌های عمومی - حقوقی به فهمی منسجم از این موضوع دست یابد. از آنجایی‌که یکی از موانع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، نبود اطمینان کافی از سوی تجار به سبب فقدان دادگاه‌های اختصاصی در امر بازرگانی است، بنابراین نقش مهم دادگاه‌های ویژه در رسیدگی به دعاوی تجاری در اطمینان‌بخشی نسبت به رسیدگی فنی و بهبود شاخص‌های رسیدگی عادلانه انکارناپذیر است. علی‌رغم شکل‌گیری دادگاه‌های تخصصی تجاری در حقوق فرانسه، انگلیس و آمریکا و تأکید بر ضرورت‌های حقوقی و اقتصادی آن، هم‌چنان ایجاد این دادگاه‌ها و آیین رسیدگی خاص آن یکی از اصلاحات ضرورت‌های نظام قضایی ایران است. اهمیت ایجاد این دادگاه‌ها این است که می‌تواند به تسریع، کم‌هزینه شدن و قابل‌اعتمادتر شدن رسیدگی به دعاوی تجاری که نشأت‌گرفته از ویژگی‌های ذاتی و منحصر به فرد حقوق تجارت است، کمک نماید.

واژگان کلیدی:

دادگاه‌های تجاری، قراردادهای تجاری، دعاوی تجاری، ساختار و ضرورت دادگاه‌های ویژه

مقدمه

موضوعات حقوقی روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شوند و این مسئله در مورد قوانین تجاری مانند حقوق شرکت‌ها نیز صادق است. این حوزه، نقش مهمی در معاملات فرامرزی ایفا می‌کند که شامل دادوستد کالا و خدمات در سراسر مرزهای کشورهاست. اختلافات ناشی از آن، از جمله وظایف دادگاه‌های تجاری است که به تنش‌های به وجود آمده می‌پردازد (Reerink et al, 2019: 174). رونق فضای سرمایه‌گذاری و توسعه قراردادهای تجاری، افزایش علاقه جهانی به دادگاه‌های تجاری را موجب شده و این مسئله، سؤالاتی را مطرح نموده‌است. چراکه رونق فضای سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی در هر کشوری به عوامل زیادی مرتبط است (Strong, 2021: 29). برای تشویق به سرمایه‌گذاری، باید فضای قضایی مناسب فراهم باشد. در این بین، ایجاد دادگاه‌هایی برای حل و فصل اختلافات ناشی از فعالیت‌های تجاری، به‌طور مؤثر و در کوتاه‌ترین زمان ممکن، امری ضروری است.

موفقیت این فضای قضایی با ایجاد نهادهای قضایی تخصصی در زمینه‌های اقتصادی، مالی و تجاری امکان‌پذیر است. به‌منظور جذب سرمایه‌گذارها، نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی بر اهمیت سیستم قضایی کارآمد برای حل و فصل اختلافات در قراردادهای تجاری تأکید می‌کنند (Albaheth, 2020: 279). بنابراین، اهمیت وجود سیستم قضایی تخصصی برای رسیدگی به اختلافات با ماهیت تجاری، مشوقی قوی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. سرمایه‌گذار متوجه می‌شود که یک سیستم قضایی تخصصی وجود دارد که مسئول رسیدگی به اختلافات تجاری است. در عین حال، توجه به استانداردهای تعیین‌شده توسط قانون برای تعیین شاخص‌های تمییز قراردادهای تجاری از مدنی و صلاحیت این نوع دادگاه‌ها، امری مهم است.

در سیستم گسترده حل و فصل اختلافات بین‌المللی، دادگاه‌های تجاری نقش مهمی دارند. دادگاه‌های تجاری برای پاسخ‌گویی به نیازهای اختلافات تجاری فراملی ایجاد شده‌اند. ظهور دادگاه‌های تجاری که با ابتکارات مختلف شکل گرفته‌اند، می‌تواند چشم‌انداز حل و فصل اختلافات تجاری را تغییر دهد (Qian, 2021: 362). با این تفاسیر، شکل‌گیری این نوع دادگاه‌ها و بیان تفاوت آن‌ها با قراردادهای مدنی، توجیه حقوقی و اقتصادی وجود این نوع دادگاه‌ها در ایران نیز اهمیت دارد. بنابراین، این مقاله با الهام از حقوق سایر کشورها در زمینه دادگاه‌های تجاری مانند فرانسه، انگلیس و آمریکا، سازوکار این نوع دادگاه‌ها در ایران را تبیین می‌کند.

این مقاله از سه بخش اصلی تشکیل شده است که در بخش نخست، مفهوم و مبانی دادگاه‌های تجاری و غیرتجاری با بهره‌گیری از حقوق کشورهای فرانسه، انگلیس و آمریکا و پیشینه این بحث در حقوق ایران نشان داده می‌شود. در بخش دوم بینش‌های مهمی در مورد تبیین شاخص‌های تمییز قراردادهای تجاری از مدنی و فواید عملی آن انجام شده و تشابهات و تمایزات این دو نوع قرارداد، بررسی می‌گردد. در بخش سوم مقاله، تلاش می‌گردد تا به نقد و بررسی وجود دادگاه‌های تجاری در ایران، نحوه تعیین صلاحیت این نوع دادگاه‌ها و درنهایت ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت آن پرداخته شود. از این رو، هدف بنیادی این مقاله، تعیین شاخص‌های تمییز قراردادهای تجاری از مدنی در تعیین صلاحیت دادگاه‌های تجاری در ایران است.

۱. پیشینه، مفهوم و ضرورت دادگاه‌های تجاری و غیرتجاری

به دنبال پیچیدگی روابط اجتماعی و تعدد دعاوی تجاری، توجه به دادگاه‌های تخصصی امری اجتناب‌ناپذیر شده است. چرا که رویه‌های قضایی و تخصص‌گرایی، مسیر وصول به عدالت و پیشرفت قضایی را هموار می‌کند. حوزه تجارت داخلی و بین‌المللی نیز از جمله مواردی است که نیاز مبرم به تشکیل دادگاه‌های تجاری دارد. لذا می‌توان با بهره‌گیری از نظام حقوقی سایر کشورها در این زمینه از تجربیات آن‌ها بهره برد.

۱-۱. تاریخچه و ضرورت شکل‌گیری دادگاه‌های تجاری

برای بررسی دادگاه‌های تجاری ضروری است تا ابتدا تعریفی از آن ارائه شود و سپس تاریخچه آن بررسی شود. امروزه کمتر نظام حقوقی پیشرفته‌ای وجود دارد که تفکیک میان دادگاه‌های مدنی و تجاری را نپذیرفته باشد. مراجع اختصاصی با صلاحیت رسیدگی به دعاوی تجاری، قدمتی به اندازه عمر اجتماعی بشر دارد. در بسیاری از نظام‌های قضایی مراجعی با صلاحیت ویژه در رسیدگی به دعاوی تجاری شکل گرفته‌اند (نک: شاگری، ۱۳۸۹: ۷) و در مواردی به جهت تکمیل عملکرد این مراجع و رسیدن به اهدافی که برای آن‌ها در نظر گرفته شده است، در نظام‌های حقوقی مختلف عملکرد متفاوتی داشته‌اند. در نظام بین‌المللی دادگاه‌های تجاری، دادگاه‌های تخصصی هستند که در آوریل ۱۹۹۸ به عنوان بخشی از برنامه اصلاحات قانونی صندوق بین‌المللی پول، تأسیس شدند. هدف از تشکیل این دادگاه‌ها، از بین بردن فرهنگ قدیمی غیرحرفه‌ای بودن و فساد فراگیر در دادگاه‌ها با ایجاد

دادگاه‌های جدید و با قضاات جدید بود که سیستم جدیدی را برای مدیریت اختلافات قراردادهای تجاری اعمال می‌کرد (Reerink et al, 2019: 174). سابقه بحث در مورد دادگاه‌های تجاری به چندین قرن گذشته بازمی‌گردد. باین‌حال، در طول دهه گذشته، کشورهایی مانند فرانسه و انگلستان شروع به ایجاد نهادهای قضایی جدید برای پرونده‌های تجاری کردند (Rühl, 2021: 11).

۲-۱. پیشینه دادگاه‌های تجاری در نظام‌های حقوقی خارجی

در قرن پانزدهم میلادی در فرانسه، مراجع کنسولی که از مدت‌ها قبل متأثر از نظام حقوقی کشور ایتالیا شکل گرفته بود، به فعالیت خود ادامه داد. این دادگاه‌ها اولین بار به موجب فرمان مارس ۱۴۶۲ لویی یازدهم به رسمیت شناخته شدند، اما نقطه عطف دادگاه‌های تجاری به فرمان ۱۵۶۳ شارل نهم برمی‌گردد (Eugene, 1932: 15). بعد از انقلاب کبیر فرانسه و تدوین قانون تجارت با دستور ناپلئون، دادگاه‌های تجاری جایگاه به‌سزایی در جوار سایر مراجع قضایی پیدا کردند. باین‌حال، بیش از نیم‌قرن از ایجاد دادگاه‌های تجاری در فرانسه، با قبول این اصل که قضاات دادگاه تجاری باید از نخبگان تجاری باشند و مزایای عملی آن نشان داده شده است، می‌گذرد (Lemercier, 2020: 311). نظام حقوقی فرانسه دارای سه لایه دادگاه‌های مدنی، بدوی و تجاری است. رسیدگی به دعاوی بین تجار، شرکت‌های تجاری و دعاوی مربوط به اسناد تجاری در صلاحیت دادگاه‌های تجاری است (Bailly et al, 2020: 2). مطابق ماده ۳-۷۲۱ قانون تجارت فرانسه، این دادگاه‌ها به اختلافات ناشی از تعهدات بین تجار، مؤسسات اعتباری و شرکت‌های مالی و اختلافات درونی در دادگاه‌های تجاری رسیدگی می‌کنند (Cadiet & Jeuland, 2009: 2). طبق ماده ۴-۷۲۳ همین قانون، قضاات دادگاه تجاری همگی قضاات کنسولی یعنی نمایندگان تجار هستند. طبق ماده ۱-۷۲۱ نیز، دادگاه‌های تجاری دادگاه‌های درجه یک هستند که از قضاات منتخب و یک منشی تشکیل شده‌اند. صلاحیت آن‌ها توسط این آیین‌نامه و قوانین و مقررات خاص تعیین می‌شود.

در قرون وسطی، روابط میان تجار انگلیس تابع حقوق بازرگانی بود که به‌عنوان حقوقی خاص در مقابل کامن‌لا قرار داشت باین‌حال، پیدایش دادگاه‌های تجاری موجب انزوای حقوق بازرگانی گردید و کلیه دعاوی تحت شمول کامن‌لا قرار گرفت (اسکینی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۱). با گسترش تجارت در اروپا در قرن پانزدهم و خروج تجارت

از انحصار ایتالیا، انگلستان نیز از جمله کشورهای بود که به جرگه فعالان تجاری پیوست. در انگلستان برخلاف کشورهای دارای حقوق نوشته، هیچ‌گاه تفکیک قانونی میان حقوق تجارت و حقوق مدنی به وجود نیامد از سال ۱۸۵۰ کمپینی در انگلستان برای ایجاد دادگاه‌های تجاری به راه افتاد. با این حال، دادگاه‌های تجاری تأسیس نشد. در حدود سال ۱۸۵۰ در میان بازرگانان، نوعی تلاش برای ایجاد دادگاه‌های تجاری شکل گرفت، اما با شکست مواجه شد. در هیچ کشور دیگری حتی فرانسه یا ایالات متحده مانند انگلستان بحث وجدل در مورد رابطه بین تاجران و قانون وجود نداشته است (Lemerrier, 2020: 312). دادگاه تجاری در سال ۱۸۹۵ به دنبال درخواست‌های شهروندان لندن و جامعه تجاری متشکل از قضات حرفه‌ای که بتواند اختلافات تجاری را به سرعت و از نظر اقتصادی تبیین کنند و در نتیجه از محاکمه‌های طولانی و پرهزینه اجتناب کنند، تشکیل شد، اما در سال ۱۹۷۰ بود که به موجب قانون تشکیلات دادگستری^۱، مرجعی با عنوان دادگاه تجاری رسماً تشکیل گردید. این دادگاه توسط قوانین آیین دادرسی مدنی تعریف شد که به پرونده‌های پیچیده ناشی از اختلافات تجاری، داخلی و بین‌المللی می‌پردازد. کار فعلی دادگاه تجارت شامل تمام جنبه‌های اختلافات تجاری، در زمینه‌های بانکی و مالی، اختلافات بر سر قراردادهای اسناد تجاری، واردات، صادرات و حمل‌ونقل، قراردادهای نمایندگی و مدیریت، کشتیرانی و بیمه اتکایی و کالاهای می‌شود. دادگاه‌های تجاری می‌توانند به اکثر این پرونده‌ها رسیدگی نمایند (Commercial Court, 2020: 771).

در آمریکا دادگاه‌های تجاری در نظام‌های دادرسی ایالتی به‌طور فزاینده‌ای متداول شده‌اند و در حال یافتن جایگاه محکمی در جامعه حقوقی ایالات متحده هستند (Bach & Applebaum, 2004: 147). در این رابطه می‌توان به دادگاه‌های تجاری در مریلند، فلوریدا، اوکلاهاما، میشیگان و جورجیا اشاره نمود. قبل از ایجاد دادگاه تجاری در اورلاندو، فلوریدا، تلاش‌های ناموفقی برای ایجاد دادگاه‌های تجاری در میامی و فورت لادریدیل^۲ صورت گرفت (Krueger, 2003: 31). ایجاد دادگاه در اورلاندو به دنبال توصیه کمیته‌ای متشکل از قضات دادگاه مداری در اورلاندو بود. دادگاه «رویه‌های استانداردها، قوام و پیش‌بینی‌پذیری بیشتر احکام در مورد موضوعات تکراری و حتی یک محرک اقتصادی» را ارائه می‌کند. در نهایت دادگاه تجاری برای رسیدگی

1- Administration of Justice Act 1970

2- Miami and Fort Lauderdale

به پرونده‌های تجاری پیچیده تشکیل شد. شکل‌گیری این دادگاه‌ها، منجر به ارائه کارآمدتر خدمات حقوقی باکیفیت بالا در امور پیچیده تجاری شده، و حل و فصل اختلافات پیچیده تجاری، به یک حوزه تخصصی در حرفه حقوق تبدیل شده است (Stauber, 2007: 159).

۳-۱. پیشینه دادگاه‌های تجاری در نظام حقوقی ایران

دادگاه‌های تجاری در ایران برای اولین بار در سال ۱۲۹۴ شمسی با تصویب «قانون موقتی محاکم تجاری» شکل گرفت؛ اما در سال ۱۳۰۳، «قانون تشکیل محاکم تجارت» جایگزین آن گردید. قانون مذکور در تاریخ ۱۳۰۹ به موجب بند ۹ ماده ۷۶ قانون تسریع محاکمات نسخ گردید. ضعف و نقص در قانون‌گذاری و فقدان قضاوت با تجربه موجب انحلال آن گردید. با انحلال این قانون، کلیه وظایف محکمه تجارت به دادگاه‌های حقوقی واگذار گردید. بنابراین، فکر تشکیل محاکم تجاری در حقوق ایران، به بیش از صدسال قبل بازمی‌گردد (جوهر و نیکوند، ۱۳۹۹: ۱۶۰). در طی سال‌های پس‌از آن، با وجود تأکید بر ضرورت تشکیل دادگاه‌های تجاری، اقدام عملی در این زمینه صورت نگرفت و هیچ‌گونه تشکیلات تخصصی سامان نیافت (شاکری، ۱۳۸۹: ۲۰). تهیه پیش‌نویس لایحه آیین دادرسی تجاری در سال ۱۳۸۸ به وسیله قوه قضاییه و تصویب آن به وسیله هیئت دولت در سال ۱۳۹۰ و تقدیم آن به مجلس، ضروری‌بودن تشکیل دادگاه‌های تجاری را مشخص کرد. در واقع گذر زمان و افزایش سطح مبادلات و معاملات تجاری بین کشورها، روابط و اصطلاحات تجاری را بیش‌ازپیش آشکار نمود (قاسمی حامد و غفوری اصل، ۱۳۹۵: ۴۳).

در نهایت در سال ۱۳۹۰ در ضمن قانون «بهبود مستمر محیط کسب و کار»، ضرورت تشکیل این دادگاه‌ها مورد تصریح واقع شد. بیش از ده سال است که از تاریخ تصویب ماده ۲۹^۱ این قانون مبنی بر تکلیف قوه قضاییه و دولت برای تنظیم آیین دادرسی تجاری و تشکیل دادگاه‌های تجاری می‌گذرد. هم‌زمان با تصویب قانون مذکور، به پیشنهاد قوه قضاییه «لایحه آیین دادرسی تجاری» نیز در هیئت وزیران

۱- در ماده ۲۹ قانون «بهبود مستمر محیط کسب و کار» چنین مقرر شده است: قوه قضاییه و دولت اقدامات قانونی لازم را برای تنظیم آیین دادرسی تجاری و تشکیل دادگاه‌های تجاری به عمل می‌آورند». تبصره: «تا زمان تأسیس دادگاه‌های تجاری، جرائم مرتبط با فعالیت‌های تجاری و اختلافات بین بخش خصوصی و دستگاه‌های اجرایی حسب مورد در شوراهای حل اختلاف یا شعب خاصی که رؤسای دادگستری استان‌ها با رعایت صلاحیت محلی در حوزه‌های قضائی تعیین می‌نمایند، رسیدگی می‌شود».

تصویب گردید و در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۵ توسط مجلس شورای اسلامی وصول گردید. تعلل قوه مقننه در تصویب آیین دادرسی تجاری، با توجه به اختیارات رییس قوه قضاییه و اهمیت تشکیل دادگاه تجارت، قوه قضاییه لایحه آیین دادرسی تجاری را به منظور تشکیل دادگاههای تجارت، تهیه و به دولت تقدیم کرد. در نتیجه اقدامات صورت گرفته، دستورالعمل تشکیل مجتمع تخصصی دعاوی تجاری تهران توسط ریاست کل دادگستری استان تهران در تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۲۲ صادر گردید و اولین مجتمع قضایی ویژه دعاوی تجاری در تهران در تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۲۶ ایجاد شد. سرانجام لایحه آیین دادرسی تجاری در سال ۱۳۹۹، با هدف تشکیل دادگاههای تجاری در جهت رسیدگی تخصصی و افزایش دقت و تسریع در روند رسیدگی به دعاوی تجاری و تقویت نقش عرف در رسیدگی به دعاوی شکل گرفت. لایحه فوق در قالب نه فصل و ۱۳ ماده جهت حل و فصل اختلافات دعاوی تجاری شکل گرفته است.

۴-۱. ضرورت شکل‌گیری دادگاههای تجاری

سرعت در رسیدگی‌های قضایی و اجرای حکم صادر شده در زمان متعارف، تقریباً در تمامی نظام‌های حقوقی پیشرفته دنیا پذیرفته شده است. شاهد این مدعا این‌که در بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ و نیز اصل هفتم از «اصول آیین دادرسی مدنی فراملی»^۲ سرعت در دادرسی را لازمه برخورداری از دادرسی عادلانه برشمردند و سرعت در امر دادرسی نیازمند وجود دادگاهی تخصصی در امر تجارت است. شکل‌گیری دادگاههای تجاری دارای دو ضرورت حقوقی و اقتصادی است. دادگاههای تجاری از جمله مهم‌ترین دادگاههای حل و فصل اختلافات تجاری‌اند. بعضی کشورها به اهمیت وجود این نوع دادگاهها برای رسیدگی دقیق، شفاف، تخصصی، سریع و کم‌هزینه به دعاوی تجاری پی‌برده و آن را در نظام حقوقی خویش، در جوار باقی مراجع، گنجانده‌اند (قاسمی حامد و غفوری اصل، ۱۳۹۵: ۳۶). بدون شک، نهادهای قضایی، نقشی تعیین‌کننده در دستیابی به آرمان والای هماهنگی در اجرای قوانین دارند (Tiba, 2016: 1). در دنیای تجارت اشخاصی که وارد این عرصه می‌شوند، انتظار دارند که قانون‌گذار آن‌ها را در برابر خطرات احتمالی حمایت کند. در صورت حمایت

1- Article 6 Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms: Right to a fair trail.

2- ALI/UNIDROIT Principles of Transnational Civil Procedure

از آن هاست که اشخاص به سرمایه‌گذاری تجاری ترغیب می‌شوند. علاوه بر بازرگانان، در قوانین کشورها از قضاات دادگاه‌های تجاری نیز حمایت شده‌است. طبق ماده ۱۹-۷۲۲ قانون تجارت فرانسه، قضاات دادگاه‌های تجاری صرف‌نظر از قواعدی که در قانون جزا وضع می‌شود، در برابر تهدیدات از هر نوعی که در زمان انجام وظایف خود قرار می‌گیرند، محافظت می‌شوند و دولت باید خسارت مستقیم ناشی از آن را جبران کند.

در راستای بند فوق، به طور مثال چنانچه تاجری حسن نیت داشته و از زمانی که خود را متوقف می‌داند عملیات تجاری کرده باشد، عدم تعیین تکلیف به موقع و تخصصی، لطمه اقتصادی به وی وارد خواهد کرد. اگر تاجر سوءنیت داشته باشد در فاصله بین طرح دعوا تا صدور حکم یا صدور دستور توقیف اموال، فرصت امحاء یا از میان بردن اموال را خواهد داشت. شاید یکی از اهداف قانون‌گذار در تعیین مهلت کوتاه سه‌روزه^۱ در اعلام توقف تاجر به دادگاه، رسیدگی سریع به وضعیت تاجر بوده تا حتی‌المقدور از ضررهای یادشده کاسته شود. این مهلت در برخی کشورهای اروپایی بیشتر است. مثلاً در سوئیس طبق ماده ۱۵۹ قانون (LP) این مهلت ۲۰ روز است. در انگلیس این مدت طبق ماده ۵۱۸ قانون شرکت‌ها مصوب ۱۹۵۸ سه هفته و در فرانسه ۱۵ روز است. به نظر بنگاه می‌رسد که در بنگاه‌های اقتصادی بزرگ، آن مهلت سه روزه کافی نبوده و امکان ضایع شدن حقوق اشخاص ذی‌نفع گردد (مافی، همایون و افشار ونگینی، رحمان، ۱۴۰۱: ۱۷۳)

گزارش بانک جهانی نشان می‌دهد که «دادگاه‌ها زمانی بهترین خدمات را ارائه می‌کنند که سریع، منصفانه و مقرون‌به‌صرفه باشند» (World Bank, 2006; Villalobos & Ramirez, 2018). همچنین دادگاه تجاری یکی از موفق‌ترین اصلاحات صورت‌گرفته در رویه‌های حقوقی است (World Bank, 2020). این دادگاه‌ها تشریفات کمتری دارند و رویه‌های کتبی را گسترش نمی‌دهند. در نتیجه، کشورهای دارای دادگاه‌های تجاری، سریع‌تر از سایر کشورها اختلافات خود را حل می‌کنند (Albaheth, 2020: 281). به دلیل این مزایا، بسیاری از کشورها به ایجاد دادگاه‌های تجاری برای رسیدگی به اختلافات مربوط به مسائل تجاری و مالی، تمایل دارند. رسیدگی به پرونده‌های تجاری بین‌المللی به صورت منصفانه و به‌موقع مطابق با قانون حاکم بر کشور، حفاظت از

۱- ماده یک لایحه آیین دادرسی تجاری: «به‌منظور رسیدگی تخصصی و افزایش دقت و تسریع در روند رسیدگی به دعاوی ناشی از امور تجاری و اجرای آراء ناظر به آن و تقویت نقش عرف در رسیدگی به این دعاوی، دادگاه تجاری تشکیل می‌شود».

منافع قانونی طرف‌ها و ایجاد یک محیط تجاری بین‌المللی باثبات، منصفانه، شفاف و مناسب برای حاکمیت قانون، از دیگر ضرورت‌های وجود دادگاه‌های تجاری است (Strong, 2021: 29). دادگاه‌های تجاری ممکن است اجازه دهد تا معاملات تجاری فرامرزی، تسهیل پیدا کنند (Qian, 2021: 374). دادگاه‌های تجاری می‌توانند تأثیر مثبتی بر تلاش‌ها برای ایجاد یک مکانیسم حل اختلاف قابل‌پیش‌بینی، عادلانه و شفاف داشته باشند. به لحاظ تخصصی بودن موضوعات طرح‌شده در خصوص دعاوی تجاری و برای تسریع در رسیدگی به پرونده‌های تجاری که طبیعتاً سهم مهمی در اقتصاد کشور دارند، ایجاد این دادگاه‌ها امری ضروری است.

برای شکل‌گیری دادگاه‌های تجاری موافقان و مخالفانی وجود دارد که باید به بررسی و نقد نظر آن‌ها پرداخت: ۱- نظریهٔ ضرورت وجود دادگاه‌های: تشکیل محاکم تجارتي، یکی از اولویت‌های نظام قضایی ایران است و می‌تواند بخشی از اهداف کلان کشور در حوزه اقتصاد و تجارت را برآورده سازد (جوهر و نیکوند، ۱۳۹۹: ۱۶۲). برای اثبات این نظر چند دلیل ارائه شده است: الف) با التفات به اهمیت سه عنصر سرعت، امنیت و سهولت در تجارت، باید در رسیدگی به دعاوی تجارتي، تخصص و مهارت را نیز لحاظ نمود. ب) تحول در نظام قضایی بدون وضع قانون ممکن نیست و قضات عمدتاً برای صدور آراء و تصمیمات خود به دنبال مستمسک قانونی هستند. در نتیجه، تا زمانی که دادگاه‌های اختصاصی به‌موجب قانون تشکیل نشود، قضات رویکرد ویژه‌ای به دعاوی تجارتي نخواهند داشت. ج) وجود دادگاه‌های تجاری، موجب رفع تشنگی آرا و رویه‌های مختلف در بین دادگاه‌ها می‌شوند. تجربه سایر کشورها نشان داده است که واکنش جامعهٔ حقوقی به دادگاه‌های تجاری اصولاً مثبت بوده است. در این زمینه می‌توان به یافته‌های پژوهش یک نظرسنجی از وکلا در رابطه با دادگاه تجاری ماساچوست اشاره کرد که ۸۳ درصد اظهار داشتند دادگاه تجاری خدمات حقوقی را بهبود بخشیده است. ۹۴ درصد از قضات بسیار راضی بودند (Staubert, 2007: 158). به‌طور کلی، وجود دادگاه‌های تجاری سبب شده که سرمایه‌گذاران رغبت بیشتری به سرمایه‌گذاری داشته باشند، چراکه آن‌ها وجود تشکیلاتی که به طور منظم و سریع به دعاوی رسیدگی می‌کند را ضامن سرمایه‌گذاری و احقاق حق می‌دانند. این دادگاه‌ها عامل مهم توسعه اقتصادی کشورها شناخته شده‌اند. طرفداران گسترش دادگاه‌های تجاری، معتقدند که این دادگاه‌ها ضامن سلامت اقتصادی کشورها هستند (Sherwood et al, 1994; Applebaum, 2011). در واقع، عدم پاسخ‌گویی مناسب به اقتضات اختلاف طرفین

قراردادهای مذکور، قابلیت پیش‌بینی ضعیف در خصوص نتیجه رسیدگی در دادگاه‌های مدنی، مشکل در اجرای احکام مراجع مدنی و در نتیجه افزایش خطر قرارداد و احتمال افشای اسرار قرارداد تجاری، موجب عدم رغبت تجار به دادگاه‌های مدنی به‌عنوان مرجع حل اختلاف شده‌است.

۲- نظریه عدم ضرورت وجود دادگاه‌های تجاری: برخی از حقوق‌دانان، دستیابی به سرعت قابل قبول در دعاوی تجاری را با اختصاص تعدادی از شعب برای رسیدگی به دعاوی تجاری و اعمال آیین دادرسی ویژه ممکن می‌دانند و ضرورت تشکیل مرجع تخصصی را نفی می‌کنند (متین دفتری، ۱۳۸۱، ج ۱: ۷۱). این دیدگاه در وجهی که منظور از ایجاد یک مرجع تخصصی، صرفاً ایجاد تشکیلات اداری و ساختمانی مجزا باشد، درست است. اما آنچه از مفهوم سرعت مورد نظر نویسندگان حقوقی است، استفاده از نیروی متخصص است. بر همین اساس، ضرورتی برای تشکیل دادگاه‌های تجاری وجود ندارد. دلایل این دیدگاه‌ها بدین صورت است: الف) با عنایت به اختلافات مبنایی و ابهامات تفسیری در تشخیص اعمال و مشاغل تجاری و به تبع آن تعیین قواعد حاکم بر آن، چنین دادگاه‌هایی موجب می‌گردد که قضات، وکلا، تجار و سایر مراجعین دادگستری دچار سردرگمی شوند و معضلات دستگاه قضایی تشدید گردد. این ایراد از این جهت وارد است که در وضعیت فعلی عمدتاً تشخیص تاجر بر اساس مواد ابتدایی قانون تجارت انجام می‌گیرد که علاوه بر آن که فاقد ضابطه روشن است، با نیازهای روز انطباق ندارد. بنابراین، در قدم اول محاکم با چالش تاجر بودن یا تاجر نبودن اصحاب دعوی مواجه خواهند شد که با لحاظ تشتت آراء در این خصوص طبعاً اختلاف در صلاحیت حاصل می‌شود و چنین نتیجه‌ای خلاف اصل سرعت است. ب) تشکیل چنین محاکمی مستلزم زیرساخت‌های اساسی از جمله تدوین قوانین ماهوی کارآمد و به‌روز، شفافیت فعالیت‌های بازرگانی، سامانه‌های کارآمد و نظام بانکداری الکترونیک پیشرفته است. در حقیقت طرفداران این نوع دیدگاه، بر وحدت حقوق مدنی تأکید می‌کنند و بیان می‌کنند که حقوق تجارت همواره می‌تواند از سر منشأ خود یعنی حقوق مدنی تغذیه نماید (اسکینی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۴۲).

به نظر می‌رسد که دیدگاه دوم بخشی از واقعیت را در بر دارد. برای تأیید نظر ضرورت وجود دادگاه‌های تجاری می‌توان استدلال کرد که در رابطه با تشخیص تاجر بودن یا نبودن شخص، راهکار قانون تجارت مبهم نیست. چراکه اولاً، هر شخصی که شغل معمول خود را اعمال تجاری قرار دهد، تاجر است و این اعمال

در ماده ۲ قانون تجارت بیان شده است. ثانیاً، این معیار سال‌های بسیاری است که مبنا قرار گرفته و قضاوت به تجربه کافی در این زمینه رسیده‌اند و خلاف این نظر نیاز به دلیل و اثبات دارد. ثالثاً، نمی‌توان معیاری پیدا کرد که نقصی در آن وجود نداشته باشد. این که تشخیص تاجر از غیرتاجر دشوار است را نباید دلیل بر عدم نیاز به دادگاه‌های تجاری دانست، چراکه اگر این‌گونه باشد، باید بحث ورشکستگی را نیز کنار گذاشت و باید گفت که چون تشخیص تاجر ورشکسته در مواردی سخت است پس احکام ورشکستگی که مختص تاجر می‌باشد نیز باید نسخ گردد. درباره این مشکل که تشکیل چنین محاکمی مستلزم زیرساخت‌های اساسی است هم باید توجه داشت که با تصویب قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، قدم مهمی در پایه گذاری زیرساخت‌ها صورت گرفته است و بنابراین این ایراد نیز وارد نیست.

۲. تبیین شاخص‌های تمییز قراردادهای تجاری از مدنی

برای درک بهتر و شناخت دقیق دادگاه تجاری، بازشناسی مفهوم قرارداد تجاری از مدنی مهم به نظر می‌رسد. چراکه در پی تفاوت‌ها و ضروریاتی که مختص قرارداد تجاری است، نیاز به وجود دادگاهی برای رسیدگی اختصاصی ضروری به نظر می‌آید و اگر هیچ تفاوتی میان این دو نوع از قرارداد نباشد، وجود مرجعی اختصاصی برای رسیدگی به اختلافات تجاری نیز عبث خواهد بود. بنابراین، منطقاً ابتدا به بیان تعاریف و سپس وجوه تمایز این قراردادها پرداخت تا اهمیت وجود دادگاه‌های اختصاصی تجاری بیش از پیش عیان شود.

۲-۱. تعاریف قرارداد مدنی و تجاری: تفاوت‌ها و شباهت‌ها

قرارداد یک عمل حقوقی است که بر اثر توافق اراده‌های مختلف به وجود می‌آید و موجب ایجاد تعهد، سقوط یا تملیک می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۴۵). در تعریف فوق، بر اصل آزادی قراردادها که برخاسته از اصل حاکمیت اراده می‌باشد، تأکید شده است. چون اراده شخص خودبه‌خود محترم و دارای اثر حقوقی است، نفوذ عقد نیاز به تصریح قانون‌گذار ندارد. «یک قرارداد نتیجه چانه‌زنی آزاد طرفینی است که گرد هم آمده‌اند و با یکدیگر بر اساس برابری اجتماعی و تقریبی اقتصادی ملاقات می‌کنند» (Bienenstock, 2019: 206). یکی از تقسیم‌بندی‌های صورت‌گرفته از قراردادها، تقسیم آن به قراردادهای مدنی و تجاری است. قراردادهای مدنی تابع احکام قانون مدنی است و مصداق بارز

آن عقود معین است. قراردادهای بین شرکت‌های تجاری و تاجر را که ماهیت تجاری دارد، قرارداد تجاری می‌نامند (نورالهی، ۱۳۹۷: ۳۲). در تعریفی دیگر برخی معتقدند قرارداد تجاری، توافقی در مورد قواعد متقابل خرید یک خدمت، منفعت، با برابری فرضی طرفین قرارداد، انتخاب آزاد طرف قرارداد و وجود یک مرجع مستقل تجدیدنظر است (Chobeaux, 2012: 106).

اصولاً قراردادهای تجاری تحت تأثیر اصل سرعت و تضمین اجرا (امنیت) قرار گرفته و فارغ از تشریفات حقوق مدنی هستند مانند قراردادهای حمل‌ونقل که از پرکاربردترین قراردادهای عرصه تجارت بین‌الملل هستند. مقررات ورشکستگی مخصوص تجار و شرکت‌های تجاری است نه اشخاص حقیقی (اعظمی زنگنه، ۱۳۷۵: ۶۲).

۲-۲. تمییز قراردادهای تجاری و مدنی و فواید عملی آن

دادگاه‌های تجاری باهدف حفظ اعتبار تجار و امنیت معاملات شکل می‌گیرند و موجب تقویت تعاملات بازرگانی می‌شوند. از گفته فوق چنین نتیجه گرفته می‌شود که این محاکم تأمین‌کننده خصایصی همچون امنیت، سرعت و تخصص می‌باشند، در غیر این صورت به سختی می‌توان فایده عملی برای آنها در نظر گرفت. بنابراین، این شاخص‌ها را می‌توان به‌عنوان خصایص قراردادهای تجاری قلمداد نمود و از قراردادهای مدنی تمییز داد.

الف) امنیت: منظور از امنیت این است اشخاصی که در معاملات تجاری وارد می‌شوند، این انتظار را دارند که قانون‌گذار از آن‌ها در برابر زیان‌ها و خطرات احتمالی به صورت ویژه‌ای حمایت کند. زیرا فقط در صورت وجود این حمایت ویژه، اشخاص ترغیب و تشویق به معامله خواهند شد.

وجود یک دادگاه مستقل از دادگاه‌های مدنی، امتیازی برای تجار به حساب می‌آید. هرچند که در بسیاری از موارد، هدف از ایجاد قراردادهای تجاری، ایجاد زمینه‌ای برای برخورد سخت‌گیرانه‌تر با تجار متخلف یا سهل‌انگار است تا اعتبار حوزه تجارت و سایر تجار حفظ‌شده و سایر تاجران امنیت بیشتری کسب نمایند. می‌توان اصل شدت عمل را ناشی از همین ویژگی امنیت دانست. بدین تعبیر که مقررات تجاری، سخت‌گیری بیشتری نسبت به بدهکار در مقایسه با حقوق مدنی اعمال می‌کنند و همین امر، امنیت روابط تجاری را تقویت می‌نماید.

ب) سرعت: انجام معاملات تجاری نیازمند آن است که اگر در یک رابطه قراردادی میان طرفین اختلافی به وجود آمد، روند رسیدگی به این اختلاف، سریع‌تر از سایر

اختلافات مدنی انجام پذیرد (شمس، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۷). علاوه بر این، لازمه جلب منفعت و کنار زدن رقبای تجاری، داشتن سرعت در روابط تجاری است، زیرا این دادگاه‌ها در عین دقت و مهارت، می‌توانند در زمانی کوتاه‌تر و با تشریفات کمتری به پرونده‌های تجاری رسیدگی نمایند. گفتنی است که تأمین این اصل مهم در قراردادهای تجاری تا حد زیادی مشروط به وضع آیین دادرسی ویژه در عرصه تجارت است. اما صرف تشکیل دادگاه‌های تجاری نمی‌تواند به‌تنهایی ضامن سرعت در دادرسی‌های تجاری باشد. انتخاب قضاات با دانش و تجربه کافی، این حرکت را شتاب می‌دهد. انتخاب مشاوران تجاری از بین تجار می‌تواند این نقیصه را جبران کند و موجب ایجاد امید، عدالت و انصاف در محاکم تجاری و قراردادهای منعقد در این زمینه گردد.

ج) تخصص: منظور از تخصص آن است که مرجع تصمیم‌گیرنده بتواند با بالاترین ضریب دقت و در کم‌ترین زمان به حل‌وفصل دعوا بپردازد. در فرانسه، ویژگی اصلی محاکم تجاری این است که از قضاتی تشکیل شده‌اند که شاغل در کار قضایی نیستند. بلکه تجاری هستند که به‌وسیله خود تجار انتخاب شده‌اند (جوهر و نیکوند، ۱۳۹۹: ۱۶۵). در انگلستان، رضایت تجار از ترکیب دادگاه‌های تجاری از ملاک‌های عمده به شمار می‌آید (Eugenien, 1932: 7; Langan, 1983: 7). بنابراین، شرایط انتخاب قضاات باید به‌گونه‌ای باشد که کسانی به دعاوی تجاری رسیدگی کنند که اشراف کافی نسبت به موضوع دعوی از حیث علمی و تجربی داشته‌باشند. بنابراین، مقررات حاکم بر قراردادهای مدنی و تجاری به‌کلی متفاوت است.

باید توجه داشت که اصول امنیت، سرعت و تخصص خصیصه ذاتی قراردادهای تجاری نیست، هرچند بهتر است هر قرارداد تجاری چنین صفات عَرَضی‌ای داشته باشد. اما اگر نداشت، نمی‌توان گفت که آن قرارداد، تجاری نیست (شیروی، ۱۳۹۱: ۱۴۵). مثلاً یک تاجر برای رفع نیازهای تجاری قراردادی با تاجری دیگر منعقد می‌کند که بسیار کند پیش می‌رود و از حوزه تخصص هر دو خارج است و امنیت بسیار پایینی نیز دارد. نمی‌توان گفت که قرارداد منعقدشده، تجاری نیست. چراکه این نوع قراردادها برای مقاصد کسب‌وکار و رفع نیازهای تجاری منعقد می‌شوند. بنابراین، یکی از وجوه تمایز این نوع قراردادها از قراردادهای مدنی، این است که برای مصارف شخصی و خانوادگی نبوده و هدف از انعقاد آن‌ها، کسب‌وکار و تحصیل درآمد است. قرارداد تجاری در این معنا در مقابل قرارداد مدنی، آن‌گونه که در برخی نظام‌های حقوقی مانند فرانسه به رسمیت شناخته شده (اعلایی فرد، ۱۳۹۴: ۶۰-۶۱)،

نیست، بلکه باید آن را نقطه مقابل قرارداد مصرف‌کننده، یعنی قراردادی که برای رفع نیازهای شخصی منعقد می‌شود، دانست. قرارداد مصرف‌کننده، قراردادی است که یکی از طرفین به روشی غیر از رویه تجاری وارد قرارداد می‌شود (داراب‌پور، ۱۳۷۴: ۷۴-۷۵).

۳. دادگاه‌های تجاری در ایران: نقد و بررسی

نظام حقوقی ایران به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه، نیازمند توجه به تأثیر حقوق و فرایند دادرسی بر اقتصاد و پیشرفت اقتصادی است و باید با تغییر وضع قوانین ماهوی و شکلی اقدام به تنظیم سیستم اقتصادی نماید و ساختار قضایی مناسب را نیز مهیا کند تا فعالان چرخه اقتصاد در دعاوی مابین در نهایت دقت و سرعت به نتیجه برسند. یکی از اهداف مهم از تشکیل دادگاه‌های تجاری، حفظ اعتبار تجار و امنیت معاملات تجاری و نیز حمایت از غیرتاجر در برابر تاجر متخطی است. بر خلاف آنچه در بدو امر ممکن است به ذهن متبادر شود، تشکیل دادگاه تجاری به معنای متمایز و برتر دانستن طبقه تجار از سایر اقشار جامعه نیست. به عبارت دیگر وجود یک دادگاه مجزا و مستقل از دادگاه‌های عمومی همیشه یک امتیاز برای تجار به حساب نمی‌آید. بلکه در بسیاری موارد هدف از تشکیل این محاکم، ایجاد زمینه‌ای برای برخورد سخت‌گیرانه‌تر با تجار متخلف یا سهل‌انگار است تا اعتبار حوزه تجارت و سایر تجار حفظ شده و غیرتاجر در برابر تاجر و در معامله با او احساس امنیت و رضایت کند (مجاهد، ۱۴۰۱: ۳۰).

باید در نظر داشت که در کشوری که نرخ تورم بسیار بالاست، سرعت در برطرف کردن اختلافات و دعاوی تجاری سرمایه‌گذاران و تجار ارزش اقتصادی دوچندانی دارد. زیرا اطلاع در رسیدگی و حصول به نتیجه معامله یا سرمایه متنازع‌فیه، سرمایه‌گذار را با تورم مواجه خواهد کرد که خود به معنی تحمیل هزینه و خسارت مالی مضاعف است. تأسیس دادگاه‌های تجاری با تعیین صلاحیت خاص مرتبط با حوزه تجارت و تولید، با استفاده از قضاتی با دانش تخصصی در حقوق تجارت و حقوق اقتصادی، سبب افزایش سرعت دادرسی تجاری و اتقان آرای صادره از آن مرجع خواهد شد. در این راستا دولت وقت در ۱۳۹۱/۰۳/۲۱ «لایحه آیین دادرسی تجاری» را تقدیم مجلس شورای اسلامی کرد که از جمله اهداف مصرح در آن، تأسیس دادگاه‌های تجاری در ایران، تسریع دادرسی دعاوی تجاری و رسیدگی تخصصی به آن‌ها با بهره‌گیری از

ابزارهای جدید حقوقی است که متأسفانه با گذشت ۱۰ سال از طرح آن تاکنون به تصویب نرسیده است.

۱-۳. صلاحیت دادگاه‌های تجاری در ایران

۱-۱-۳. صلاحیت ذاتی

صلاحیت به معنی توانایی قانونی انجام امری و منظور از صلاحیت دادگاه یعنی اختیار و وظیفه دادگاه مبنی بر رسیدگی بر دعاوی می‌باشد (متین دفتری، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۵۹). صلاحیت ذاتی را می‌توان چنین تعریف کرد که اختیار قانونی یکی از مراجع رسمی برای رسیدگی به امر یا اموری با سلب حق رسیدگی از مراجع دیگر است. در تشخیص صلاحیت ذاتی معمولاً مراجع با صلاحیت عام و مراجع باصلاحیت استثنایی از یکدیگر جدا می‌شوند. مراجع عمومی مراجعی هستند که صلاحیت رسیدگی به کلیه دعاوی را دارند، جز آن دسته از دعاوی که به موجب قانون استثناء شده باشد، درحالی که مراجع استثنایی، تنها حق رسیدگی به دعاوی ای را دارند که قانون‌گذار صراحتاً در صلاحیت ایشان قرار داده است (شمس، ۱۳۸۵، ج ۱: ۷۷). طبق این نوع صلاحیت، می‌توان گفت که دادگاه تجاری یک دادگاه تخصصی است که فقط صلاحیت رسیدگی به مواردی را دارد که قانون‌گذار صراحتاً و با نص قانونی در صلاحیت این دادگاه قرار داده است. بر اساس دستورالعمل تشکیل مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تجاری تهران، محاکم تجاری جزء دادگاه‌های عمومی حقوقی تلقی می‌شوند. طبق ماده ۱ این دستورالعمل، مجتمع قضایی دعاوی تجاری مسئول رسیدگی به دعاوی تجاری است. این موضوع حاکی از آن است که تا زمان تصویب آیین دادرسی دادگاه‌های تجاری در مجلس، دادگاه‌های تجاری جزو دادگاه‌های عمومی حقوقی تلقی می‌شوند و صلاحیت این دادگاه‌ها جزو صلاحیت دادگاه‌های عمومی حقوقی است که به صورت تخصصی به دعاوی ارجاعی رسیدگی می‌کنند. بنابراین، صلاحیت ذاتی برای آن‌ها وجود ندارد.

۱- ماده ۱ دستورالعمل مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تجاری تهران بیان می‌کند: «مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تجاری تهران، متشکل از شعبی از دادگاه‌های حقوقی است که با پیشنهاد رئیس حوزه قضایی و موافقت رئیس کل دادگستری استان تهران، جهت رسیدگی به دعاوی تجاری به شرح مفاد این دستورالعمل ظرف سه ماه آینده تشکیل خواهد شد».

۳-۱-۲. صلاحیت نسبی

صلاحیت نسبی وقتی مطرح می‌شود که دعوایی به دلیل داشتن موضوع یا ارزشی معین و یا رعایت قواعد مربوط به صلاحیت محلی مطرح گردد. ممکن است دعوایی در صلاحیت دادگاه تجاری باشد، اما قانون‌گذار به دلیل بعضی مصالح، در صلاحیت یک یا چند دادگاه تجاری معین قرار داده باشد (شمس، ۱۳۸۵، ج ۱: ۶۸۹). در ماده ۶ دستورالعمل تشکیل مجتمع قضایی تخصصی دعاوی تجاری تهران، صلاحیت مجتمع تخصصی در موضوعات حقوقی، صرفاً مشتمل بر دعاوی ناشی از خرید و فروش کالا در بستر تجارت سنتی یا الکترونیکی، دعاوی راجع به تشکیل، ادغام، انحلال و ورشکستگی شرکت‌های تجاری، کلیه امور و دعاوی مربوط به داوری از قبیل تعیین داور و ابطال و اجرای رأی داوری است^۱. بنابراین در صورتی که یک شعبه برای رسیدگی به دعاوی حمل و نقل اختصاص داده شده باشد، این شعبه نسبت به سایر شعب صلاحیت نسبی دارد. با نسخ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰/۰۴/۰۱ و تصویب قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری (۱۳۸۶)، مراجعه به دادگاه عمومی تهران تنها در یک مورد پیش‌بینی شده است. بند ط ماده ۱۷ قانون اخیر، اعتراض به نظر کمیسیون مذکور در بند الف آن ماده را در صلاحیت دادگاه عمومی تهران قرار داده است. بنابراین در خصوص این دعاوی دادگاه تجاری شهرستان تهران با جمع بند ط ماده ۱۷ قانون ثبت اختراعات و بند ۵ ماده ۲۲ ل. آ. د. ت نسبت به سایر دادگاه‌های تجاری صلاحیت نسبی دارد. اگر خواهان در شهر محل سکونت خودش دعوا را مطرح کرد، خوانده می‌تواند به عدم صلاحیت نسبی دادگاه اعتراض کند و ایراد عدم صلاحیت نسبی را وارد نماید (مهدوی‌پور و نقیعی، ۱۳۹۵: ۱۹۷). این نوع صلاحیت می‌تواند به ادعای حفظ مصالح و منافع ملی یا به ادعای تسهیل در رسیدگی، موجب تحدید صلاحیت گردد.

۱- با توجه به این که قانون آیین دادرسی تجاری هنوز تصویب نشده است؛ لذا صلاحیت‌هایی که برای مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری در نظر گرفته شده در قالب دستورالعمل‌هایی از جمله قراردادهای خرید و فروش میان شرکت‌های تجاری در بسترهای سنتی و الکترونیکی خواهد بود. شرط رسیدگی به دعاوی در مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری آن است که طرفین دعوی در زمره شرکت‌های تجاری باشند، همچنین مباحث داوری نیز در این مجتمع پیگیری خواهد شد.

۳-۱-۳. صلاحیت محلی

برای تعیین صلاحیت محلی در حقوق فرانسه مقررات ویژه‌ای وجود ندارد. بنابراین همان قواعد صلاحیت محلی قانون جدید آیین دادرسی مدنی، قابل تسری به دادگاه‌های تجاری است. در ایران نیز، آیین دادرسی تجاری در ۶ ماده به تشریح صلاحیت محلی دادگاه تجاری پرداخته بود. از جمله این‌که در ماده ۲۳ بیان داشته بود که دعوی توقف باید در دادگاهی اقامه گردد که تاجر در حوزه آن اقامت دارد و چنان‌چه در ایران اقامت نداشته باشد، در دادگاهی اقامه می‌گردد که تاجر در حوزه آن برای انجام معامله نمایندگی دارد، در غیر این صورت دعوی در دادگاه محل وقوع اموال تاجر قابل اقامه است. می‌توان این‌گونه استدلال نمود که دستورالعمل صادر شده جهت رسیدگی به دعاوی تجاری توسط مجتمع قضایی، تنها برای دعاوی تجاری شرکت‌ها و داوری‌هایی تجاری که دادگاه‌های ذی صلاح آن‌ها تهران می‌باشد، قابل اجراست. بدیهی است دادگستری هر استان باید طبق آیین‌نامه شیوه تشکیل شعب تخصصی مراجع قضایی موضوع تبصره ماده ۵۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ریاست قوه قضائیه مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۲۸، اقدام به افتتاح شعب تخصصی ویژه دعاوی تجاری نماید.

۳-۲. نقد و بررسی وجود دادگاه‌های تجاری در ایران

بهبود عملکرد، بهره‌وری و انعطاف‌پذیری و ایجاد محیطی جذاب برای سرمایه‌گذاران داخلی و بین‌المللی برای ایجاد اعتماد، نیازمند وجود سیستم قضایی مختص به قراردادهای تجاری تحت عنوان دادگاه‌های تجاری است. حذف دادگاه‌های تجاری در ایران نه به‌واسطه ضعف در نفس این تشکیلات، بلکه ناشی از قانون‌گذاری نامناسب بوده‌است، چراکه از یک‌سو مقنن ایرانی با پیش‌بینی دادگاه‌های تجاری در لایحه تجارت و نیز تدوین لایحه آیین دادرسی تجاری به‌طور ضمنی بر لزوم این دادگاه‌ها تأکید دارد و از سوی دیگر تعدد کشورهای که در آن‌ها چنین مراجع اختصاصی‌ای وجود دارد نشان‌دهنده از ضرورت آن‌ها است. از آنجایی‌که قانون تجارت ایران در بسیاری از موارد از قانون تجارت فرانسه الهام گرفته، توجه به مزیت‌های دادگاه‌های فرانسه قابل استفاده است. در دادگاه‌های مزبور علاوه بر قضات آشنا و مسلط به امور حقوقی، از بازرگانان باصلاحیت جهت فهم مسائل بازرگانی استفاده می‌شود (Bailly et al, 2020: 2).

فقدان دادگاه‌های تجاری یکی از مهم‌ترین دلایل اطاله دادرسی است. برای این‌که سیستم قضایی در دعاوی تجاری به نتیجه مطلوبی برسد، نیازمند دقت و تخصصی نگاه کردن به این‌گونه دعاوی است. عدم تفکیک میان دادگاه‌های تجاری و مدنی هم رسیدگی به دعاوی تجاری و هم رسیدگی به سایر دعاوی را با مشکل روبه‌رو می‌کند. علاوه بر این، الزام به رعایت و تبعیت از اصول و قوانین سنتی در حوزه حقوق تجارت، موجب شده است تا نیاز به شکل‌گیری این نوع دادگاه‌ها در ایران احساس گردد. شکل‌گیری دادگاه‌های تجاری امری است که نیازمند ساختارها و مراجع خاص خود است. از جمله باید یک آیین دادرسی مستقل از آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی- حقوقی شکل گیرد. هم‌چنین نیاز است تا یک مرجع تجدیدنظر خاص تحت عنوان دادگاه‌های تجاری شکل بگیرد. در ضمن برای این‌که دادگاه تجاری بتواند به یکی از اهداف اصلی خود یعنی سرعت برسد، پیشنهاد می‌شود مواعیدی چون مدت و خواهی که برای دادگاه‌های عمومی - حقوقی در نظر گرفته شده کاهش یابد. تجدید نظر خواهی یا فرجام خواهی که در دادگاه‌های عمومی - حقوقی ۲۰ روز است به ۱۰ روز در دادگاه تجاری باید کاهش یابد. یا مثلاً مهلت رفع نقضی که در ماده ۵۴ ق.آ.د.م آمده و ۱۰ روز است، پیشنهاد می‌شود که به ۵ روز کاهش یابد. هم‌چنین است در مورد دستور موقت و تأمین دلیل موضوع مواد ۳۱۸ و ۳۲۴ ق.آ.د.م که بهتر است مهلت این موارد به نصف کاهش یابد تا دعاوی تجاری با سرعت بیشتری به سرانجام برسد.

راه‌اندازی محاکم اختصاصی با نواقص ساختاری و کمبودهایی مواجه است و از سوی دیگر صرف تعیین شعب ویژه بدون تدوین آیین دادرسی مخصوص، انتظارات تجار و نظام اقتصادی کشور را تأمین نمی‌کند. به نظر می‌رسد راهکار منطقی این باشد که بدو با راه‌اندازی شعب تخصصی به‌ویژه در مراکز استان‌ها، طی چند سال قابلیت‌های موجود ارزیابی و نواقص آن مرتفع شود. از جمله این‌که اولاً ضمن لحاظ نمودن سابقه تحصیلی و تجربه قضایی، نسبت به آموزش مستمر قضات محاکم تخصصی اهتمام شود، ثانیاً لایحه تجارت به‌عنوان قانون ماهوی به تصویب برسد و لایحه آیین دادرسی تجاری بر اساس مقررات قانون جدید تنظیم شود و حتی مباحث ماهوی مندرج در «لایحه آیین دادرسی تجاری» فعلی از آن حذف و در قانون تجارت گنجانده شود تا آیین دادرسی تجاری صرفاً متضمن مقررات شکلی باشد و ثالثاً سامانه‌های اقتصادی الکترونیک تقویت گردد. قوه قضائیه نیز می‌تواند با توجه به نوع دعاوی، تجربه و تخصص قضات، برخی از شعب دادگاه تجاری را جهت

رسیدگی به نوع خاصی از دعاوی از قبیل حمل و نقل، بیمه، ورشکستگی، مالکیت فکری اختصاص دهد.

نتیجه‌گیری

این مقاله با تأکید بر فقدان بستر قانونی مؤثر برای حل و فصل اختلافات تجاری، ایجاد راهکارهای اصلاحی از طریق تشکیل دادگاه‌های تخصصی تجاری را، تلاشی در جهت یافتن سازوکاری مؤثر برای حل و فصل اختلافات تجاری مابین کشورهای آمریکا، با استفاده از تطبیق تجارب حقوقی در کشورهایمانند فرانسه، انگلستان و آمریکا، این نوع دادگاه‌ها چارچوبی مناسب برای حل و فصل اختلافات تجاری است. با توجه به چارچوب چشم‌اندازهای کشور و تنوع بخشیدن به اقتصاد ملی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، باید سازوکارهای جدیدی برای حل اختلافات تجاری ارائه شود. از آنجایی که یکی از موانع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، فقدان دادگاه‌های تجاری است، بنابراین نقش قضات متخصص در رسیدگی به دعاوی تجاری در توسعه تجارت، تسهیل سرمایه‌گذاری و بهبود شاخص‌های اقتصادی جوامع امروزی انکارناپذیر است. ایجاد دادگاه‌های تخصصی تجاری، یکی از این اصلاحات در سیستم قضایی کنونی است. از همین رو، ایجاد این نوع دادگاه‌ها، علاوه بر جنبه‌های تخصصی بودن رسیدگی به دعاوی که قدمی مثبت در راه فنی و تخصصی شدن رسیدگی دادگاه‌های ایران است، می‌تواند به تسریع، کم‌هزینه شدن و قابل‌اعتمادتر شدن رسیدگی به دعاوی تجاری کمک نماید. برآیند بحث‌ها نشان داد که ضرورت تشکیل دادگاه‌های تجاری کاملاً روشن است و مشکلات موجود نمی‌تواند اصل ضرورت تشکیل این نهاد را زیر سؤال ببرد. البته این ضرورت‌ها به معنی تعجیل و شتاب بی‌مورد در ایجاد نهادی مبهم با صلاحیت‌های مبهم، به‌نحوی که رسالت دادگاه‌های تجاری را از بین ببرد، نیست.

فهرست منابع

۱. اسکینی، ربیعا (۱۳۹۱). حقوق تجارت، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات سمت.
۲. اعظمی زنگنه، عبدالحمید (۱۳۷۵). حقوق بازرگانی، چاپ اول، تهران: چاپخانه افست رشدییه.
۳. اعلائی فرد، محمدعلی (۱۳۹۴). حقوق تجارت بین‌الملل، چاپ اول، تهران: جاودانه.
۴. جوهر، سعید؛ نیکوند، شکرالله (۱۳۹۹) «دادگاه‌های اقتصادی جایگزین محاکم تجاری با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی فرانسه و بلژیک»، تحقیقات حقوقی آژاد، ۱۳ (۴۹): ۱۵۹-۱۷۴.
۵. داراب‌پور، مهرباب (۱۳۷۴). تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی، جلد اول، چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۶. شاکری، فرزانه (۱۳۸۹). دادگاه‌های تجاری و آیین دادرسی تجاری فلسفه پیدایش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۷. شمس، عبدالله (۱۳۸۵). آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دراک.
۸. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۱). حقوق تجارت بین‌الملل، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
۹. قاسمی حامد، عباس؛ غفوری اصل، غزل (۱۳۹۵). «لزوم احیای دادگاه‌های تجاری در ایران»، تحقیقات حقوقی، شماره ۱۹ (۷۳): ۳۵-۵۷.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۱. مافی، همایون؛ افشار ونگینی، رحمان (۱۴۰۱). «ایجاد دادگاه تجاری در راستای اصل سرعت در آیین دادرسی»، مجله دانشنامه‌های حقوقی، ۵ (۱۴): ۱۶۰-۱۸۴.
۱۲. متین‌دفتری، احمد (۱۳۸۱). آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول، تهران: انتشارات مجد.
۱۳. مجاهد، افشین (۱۴۰۱). «جایگاه دادگاه‌های تجاری در حقوق ایرن، فرانسه و انگلیس»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، سال پنجم، شماره هفدهم: ۲۴-۳۹.
۱۴. مهدوی پور، اعظم؛ نقیبی، سیدمحمد (۱۳۹۵) «بررسی حدود صلاحیت دادگاه‌های کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری»، مجله حقوقی، ۴ (۵): ۱۸۸-۲۲۴.

۱۵. نورالهی، مریم (۱۳۹۷). مقایسه حقوق و مسئولیت‌های شرکا شرکت مدنی و تجاری با نقد لایحه جدید قانون تجارت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه ارومیه.

۱۶. (در بخش منابع لاتین، تاریخ‌ها گاه بعد از نام مؤلف و گاه در پایان آمده است. لطفاً همه بعد از نام خانوادگی نویسنده بیاید)

17. Albaheth, Hamza (2020). Establishing Specialized Economic Courts in Saudi Arabia to Boost Investments, *Utopía y Praxis Latinoamericana*, 25 (6): 278- 288.
18. Applebaum, Lee (2011). "The Steady Growth of Business Courts, Future Trends in State Courts", 70 (Williamsburg, VA: National Center for State Courts).
19. Bach, Mitchell & Applebaum, Lee (2004). A History of the Creation and Jurisdiction of Business Courts in the Last Decade, *Business Lawyer*, 60 (1): 147-275.
20. Bailly, Alexandre & Haranger, Xavier & Morgan, Lewis (2020). Litigation and enforcement in France: overview, Law stated as at 01-Dec-2020, Resource Type Country Q&A.
21. Bienenstock, Sophie (2019). The Deterrent Effect of French Liability Law: the Example of Abusive Contract Terms, *Revue d'économie politique*, 129 (2): 205-234.
22. Cadiet, Loic & Jeuland, Emmanuel (2009). *Droit judiciaire privé*, Lexis Nexis.
23. Chobeaux, François (2012). *LE CONTRAT, VST - Vie sociale et traitements*, 106-107,. <https://www.cairn.info/revue-vie-sociale-et-traitements-20122--page-106.htm>
24. Commercial Court (2020). *The Admiralty and Commercial Courts Guide, HM Courts and Tribunals Service 2014, "Commercial Court"*. *Encyclopædia Britannica*. 6 (11): 770- 782.
25. Eugene, Raviart (1932). *Les tribunaux de commerce*, Paris, Librairie des Juris Classeurs.
26. Krueger, Roche (2003). *Takes Reins of First Business Court*, Orlando Business, Journal, October.

27. Langan, Henderson (1983). civil procedure, Sweet & Maxwell.
28. Lemerrier, Claire (2020). Transferts et cultures juridiques. Pourquoi l'Angleterre victorienne n'a-t-elle pas adopté les tribunaux de commerce?, Dans Droit et société, 2 (105): 309- 324.
29. Qian, Xu (2021). The legal legitimacy of the China International Commercial Court: history, geopolitics, and law, Asia Pacific Law Review, 28 (2): 360379-.
30. Reerink, Gustaaf & Omar Sidharta, Kevin & Suyudi, Aria & Hewitt, Sophie & Crouch, Melissa (2019). A Story of Unfinished Reforms: from Part III - Specialised Courts as Judicial Reform Strategy, University of New South Wales, Sydney, Cambridge University Press.
31. Rühl, Giesela (2021). The Resolution of International Commercial Disputes – What Role (if any) for Continental Europe?, American Journal of International Law, 115 (2): 11- 16.
32. Sherwood, Robert & Geoffrey, Shepherd & Celso, Marcos (1994). “Judicial Systems and Economic Performance”, The Quarterly Review of Economics and Finance, 34 (1): 101- 116.
33. Stauber, Alvin (2007). A TWENTY FIRST CENTURY NECESSITY?, Judicial Studies Institute Journal, 1 (2): 154- 177.
34. Strong, S.I (2021). International Commercial Courts in the United States and Australia: Possible, Probable, Preferable?, AJIL Unbound, 115 (20): 28- 33.
35. Tiba, Firew (2016). The Emergence of Hybrid International Commercial Courts and the Future of Cross Border Commercial Dispute Resolution in Asia, Chi. Int'l L. Rev, 14 (1): 1- 31.
36. WORLD BANK (2006). “Doing Business 2007: How to Reform” (International Bank for Reconstruction and Development/ The World Bank, Washington, D.C.) Available at: <https://www.doingbusiness.org/content/dam/doingBusiness/media/Annual-Reports/English/DB07- FullReport.pdf>
37. WORLD BANK (2020). “Doing Business 2020: Comparing Business Regulation in 190 Economies” (International Bank for Reconstruction and Development / The World Bank, Washington, D.C.) Available at: <http://documents.worldbank>.

[org/curated/en/688761571934946384/pdf/Doing-Business-2020-Comparing-Business-Regulation-in-190-Economies.pdf](https://www.researchgate.net/publication/342111111/figure/fig/1/figure-fig1/1517211111111/Doing-Business-2020-Comparing-Business-Regulation-in-190-Economies.pdf)